

# ایران توشه

- دانلود نمونه سوالات امتحانی

- دانلود گام به گام

- دانلود آزمون گاج و قلم چی و سنجش

- دانلود فیلم و مقاله انگلیزی

- کنکور و مشاوره

 [IranTooshe.ir](http://IranTooshe.ir)

 [@irantooshe](https://t.me/irantooshe)

 [IranTooshe](https://www.instagram.com/IranTooshe)





الدرس الا و (در او

ایران توننه

\*ترجمه متن: مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّائِلِيْنَ وَالشَّامِنِ

أَهْلًا وَسَهْلًا: خُوش آمِدِید

يَبْتَدِئُ الْعَامَ الدَّلِيلِ بِأَجْلِيدٍ. يَدُهُ طَلُّ الْأَبْوَابِ أَطْلَاتِ إِلَى الْأُمْرَةِ فَرِحَ بِمِ يَحْمِ فِي حَمْتِ بِهِمْ سَالِ تَحِيلِي  
آغاز می شود. دانش آموزان پسر و دختر با خوشحالی به مدرسه می روند، آنها کیف هایشان را برمی دارند (حمل می کنند)؛

لِلدَّوْلَةِ وَالْعِبَادِ وَالْمَدِينِ وَالْمَدِينِ وَالْمَدِينِ وَالْمَدِينِ وَالْمَدِينِ وَالْمَدِينِ وَالْمَدِينِ وَالْمَدِينِ وَالْمَدِينِ وَالْمَدِينِ

خیابان ها پر از پسران و دختران است. فصل درس خواندن و خواندن و نوشتن و فصل دوستی میان دانش آموزان آغاز می شود. (شروع می شود)

﴿ بِسْمِ الْمَلِئِكِ الْحَمِئِ لِرَبِّ ۙ ﴾ به نام خداوند بخ مهربان

أَبْدَأُ بِأَسْمِ الْمَلِكِ أَدْكُرُ رَبِّي عِنْدَ قِيَامِي

با نام خدا سختم را آغاز می کنم پروردگارم را هنگام برخاستنم یاد می کنم

أَبْدَأُ بِأَسْمِ الْبَدْرِ أَدْكُرُ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي

با نام خدا درس هایم را آغاز می کنم پروردگارم را هنگام نشستنم یاد می کنم.

أَقْرَأُ بِأَسْمِ الْبِكَةِ لَسَأَلُ رَبِّي حَاصِ

کتابم را با نام خدا می خوانم از پروردگارم، حل سختی هایم را درخواست می کنم.

مَكْتَبِنَا نُورٌ وَحَيَاةٌ فِيهِ دُعَاءٌ، فِيهِ صَلَاةٌ

مکتب ما روشنایی و زندگی است. در آن دعاست، در آن نماز است.

فِيهِ عُلُومٌ، فِيهِ كَمَالٌ فِيهِ كُنُوزٌ، فِيهِ جَمَالٌ

در آن دانش هست، در آن کمال هست. در آن گنج هست، در آن زیبایی هست.

يَتَخَرَّجُ مِنْهَا عُلَمَاءٌ وَدُرٌّ فِيهَا أَحْكَامٌ

دانشمندان از آن فارغ التحصیل می شوند و حکیمان در آن درس می خوانند.

هَا كُتِبِي أَنْوَارُ سَمَائِي مَرْحَمَةٌ، كَنْزٌ، كَدَوَائِي

هان، کتاب هایم روشنایی های آسمانم، مهربانی و گنج و مانند دارویم هستند.

أَبْدَأُ بِأَسْمِ الْمَأْمُومِ فَمَسَّ إِهْي، زَادَ سُورِي

با نام خدا کارهایم را آغاز می کنم نام خدایم، شادی ام را زیاد کرد

**\* پاسخ تمرین اول صفحه**

۱- ۴- به مردم سود رساند. ۲- زیبایی را دوست دارد. ۳- پس انگار او نادان است. ۴- مگر

در زبانش است. همراه با عمل.  
-۵

**\* پاسخ تمرین دوم صفحه ۴ و ۵** ب-۵ الف-۲ ب-۳ الف-۴ الف-۵  
الف

**\* پاسخ تمرین سوم صفحه- ۱** ۵- هر که در آسمانها و در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوه ها و

تو نگهداری می کند و تو از مال نگهداری می کند. ۵- برای هر چیزی راهی است و راه بهشت دانش است.

**\* پاسخ تمرین چهارم صفحه- ۶** ۱- یغفر: فعل مضارع ۲- ظلموا- ظلمنا: فعل ماضی ۳- ضربنا: فعل ماضی

۴- یعلمون: فعل مضارع ۵- یعلم: فعل مضارع

**\* پاسخ تمرین پنجم صفحه- ۷** ۱- برای شما در آن میوه های بسیاری هست و از آن می خورید. ۲- خداوند برای

مردم مثل ها می زند و خداوند به هر چیزی دانا است. ۳- هان، قطعا دوستان خدا نه ترسی بر ایشان هست و نه غمگین می شوند. ۴- کسانی که همراه خدا، خدایی دیگر قرا می دهند پس بزودی خواهند دانست.

**\* پاسخ تمرین ششم صفحه- ۱** ۷- جَعَلْنَا ۲- أَسْمَعُ ۳- يَجْمَعُ ۴- حَصَدْتُ ۵- شَرَحَا

**\* پاسخ تمرین هفتم صفحه- ۱** ۸- عَرَفُوا ۲- تَظْلِمُونَ ۳- نَغْسِلُ ۴- فَعَلْنَا ۵- تَفْذَفُ

**\* پاسخ تمرین هشتم صفحه- ۸** نمی نشینند / خواهد نشست / رفتید /  
خواهید رفت - شنیدند - شنیدید / نگاه می

کند نگاه می کنیم / راست گفت-راست گفتم / می شناسید- می شناسی.

**\* پاسخ تمرین نهم صفحه-** ۹ ۱- الْحَمَامَاتِ ۲- نَعَمْ ۳- بَيْنَ الشَّجَرَتَيْنِ ۴ لَسَعِدِ شِيرَازِ  
--فی

عِلْمِ الْكِيمِيَاءِ ۶- أَرْبَعَةَ ۷- السِّيَّارِ ۸ بَعْدَ سَاعَةٍ ۹- نَحْرٍ بَخِيٍّ ۱۰- ثَلَاثَةَ خَمْسَةِ سَبْعَةٍ تِسْعَةٍ أَحَدِ عَشَرَ ۱۱- الرَّابِ السَّادِ

**\* پاسخ تمرین دهم صفحه- ۱۰** ۱- ثَلَاثَةَ خَمْسَةِ سَبْعَةٍ تِسْعَةٍ أَحَدِ عَشَرَ ۲- الثَّانِي-الرَّابِ السَّادِ

\* پاسخ تمرین دوازدهم صفحه ۱۱-۱- نَحْنُ ۲- هُمْ ۳- أَنْتَ ۴- أَنْتُمْ ۵- هُنَّ ۶

سیزدهم صفحه - ۱۲ ۱- حَقِيبَةٌ ۲- عَامِلٌ ۳- لَوْنٌ ۴- قَوْلٌ ۵- جَنَّةٌ ۶- أُسْرٌ ۷- ذَهَبٌ ۸ \* پاسخ تهمین سحاب

\* پاسخ تمرین چهاردهم صفحه - ۱ ۱۲- رِيَاضَةٌ يَلْعَبُ فِيهَا ۲- اِضَافَةٌ اسْتِ ۳- مَكَانٌ يَأْكُلُ فِيهِ.....

۴- وَقْتُ النِّهَائَةِ ۵- أَرْضٌ وَاسِعَةٌ..... ۶- طَائِرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ ۷- هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ الْبَيْتَ

الْجَاهِلِ \* پاسخ تمرین پانزدهم صفحه - ۱ ۱۳- ذَهَبِهِ ۲- الْحَجَرِ ۳- لِأَمَانَ ۴- عَلَيْكَ ۵-

بَدَايَةٌ ≠ نِهَائَةٌ / بَارِدٌ ≠ حَارٌّ / حَزْنٌ ≠ فَرَحٌ / قَبِيحٌ ≠ جَمِيلٌ / صَدَقٌ ≠ كَذَبٌ / قَلِيلٌ ≠ كَثِيرٌ

عَدَاوَةٌ ≠ صَدَاقَةٌ نَهَارٌ ≠ لَيْلٌ

\* پاسخ تمرین هفدهم صفحه - ۱۴ مفرد مونث: شَجَرَةٌ / مثنای مذکر بلا حانٍ / مثنای مؤنث: مُدَرِّسَةٌ / جمع مذکر

سالم: رِيَاضِيُونَ / جمع مؤنث سالم: سَائِلَاتٌ / جمع مکسر: أَوْرَاقٌ

\*\*\*\*\*

الدرس الثانی (درس دوم)

\* ترجمه متن: اَدَّرُ الْبَنَاتِ: وَاذَرُ الْبُحُورِ اَلْمَوْرِ هَارَانِ دِي

رَجَعَ سَجَادٌ مِنَ الْمَدْرَسَةِ حَزِينًا؛ عِنْدَمَا جَلَسَ عَلَى الْمَائِدَةِ مَعَ أُسْرَتِهِ، سَجَادٌ بَا نَارَاحَتِي اَز مَدْرَسَةِ بَرِگَشْتِ؛ وَقْتِي كِه هَمْرَاه

خانواده اش بر سر سفره غذا نشست

بَدَأَ بِالْبُكَاةِ فَجَاءَتْ وَذَهَبَ إِلَى غُرْفَتِهِ؛ ذَهَبَ أَبُوهُ إِلَيْهِ وَتَلَكَّمْ مَعَهُ وَسَأَلَهُ: «لِمَ اذَامَ ا كَلْتَا لَطَّعَمَ» « نَاگِهَن شَرَع مِه گَر

کرد و به اتاقش رفت پدرش نزد او رفت و با او سخن گفت و از او پرسید: «چرا غذا نخوردی؟!»

أَجَابَ: هَلْ تَعْرِفُ صَدِيقِي حُسَيْنًا؟ پاسخ داد: «آیا دوستم حسین را می شناسی؟»

قَالَ: نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ؛ هُوَ وَكَذَلِكَ هُوَ هَذَا حَدِثْنَا هُ كَفْتُ «بله م شناسمش ا پسر باهو آرا است چ

اتفاقی برایش افتاده است؟»

أَجَابَ سَجَادٌ: «هُوَ رَقَدَ فِي الْمُسْتَشْفَى؛ تَصَادَمَ بِالسَّيَّارَةِ؛ سَجَّأَ جِوَادًا؛ دَبَّ بِبِمَارِسْتَا بَسْتَرَ شَدَّ اسْتَبَدَّ بِمَاشِي

تصادف کرده است

؛

حَدَّثَ التَّصَادُمَ أُمَامِي عِنْدَمَا شَاهَدْتُهُ عَدَا الرَّصِيدِ الْمُقَابِلِ؛ نَادَيْتُهُ؛ تَصَافَ جَلِي بِنِ اتَّفَقَ افْتَأَ؛ وَقَى هِ وَا رِ بِيَا

مقابل دیدم؛ صدایش زدم

؛

فَقَصَدَ الْعُبُورَ بِدُونِ النَّظَرِ إِلَّا السَّيَّارَا وَمِ عَيْ مِمَّ الْمَشَا : پس بون ناه کدن به مابین ه و عور از

گذرگاه عابر پیاده تصمیم به رد شدن گرفت

«كَانَتْ سُرْعَةُ السَّيَّارَةِ

كثيرة» پ اتومبیل با نزدیک شدن با برخورد کرد.سرع

فَاقْتَرَبَتْ سَيَّارَةٌ مِنْهُ وَ صَدَمَتْهُ

ماشین زیاد

بود.

لَا عَمَالَ لِهٖ حِجَّةٌ

در روز بعد معلم از دانش آموزانش نوشتن قوانین رانندگی و علامت ها راهنمای رانندگ را در روزنام

دیواری و رعایت کارهای درست در خیابان ها و راه ها را درخواست کرد.

ایران نوشتن

ثُمَّ خَذَلَا حُدَيْدَةَ إِلَّا مِيَالْمَ دَرَسَ إِلَى مَطْنَةِ تَعْلِيمًا لَمْ يُؤْمَرْ سِيسَ مَدْرَسًا مَوْفُوقِيَّةً بِهٖ يَاطَاكُ آمُوشَ تَرَافِكِ رِ

بَعْدَ يَوْمَيْنِ جَاءَ شُرْطِيُّ إِلَّا لَمْ يَسْأَلْهُ مِ إِدْرَاةِ حُرُوفِ الشَّرْحِ لِشَارِكَاتِ لَمْ يُؤْمَرْ وَطَلَبَ مِنْهُ لَعَبُومِ مِمَّرًا مَشْهُوًّا . بَع

از دو روز پلیس از اداره راهنمایی و رانندگی به مدرسه برای توضیح علامت ها راهنمای رانندگ آمد آنه

خواست از گذرگاه عابر پیاده عبور کنند.

كَتَبَ لِلْأَمِيَّةِ صُجَّةً جِدْرَايَةً وَرَسَا وَفِيهَا عِلَالَاتُ لَمْ يُؤْمَرْ وَشَدَّ بِهَا مَعَانِيَهَا . لِانْشِ آمُوزَا يَكُ رُوزَامَهٗ دِي

نوشتند و در آن علامت ها راهنمای رانندگ را قماش کردن و معانی آن را شرح دادند.

لَمْ يَأْتِ الْيَمَنَ مَحْنَعٌ . : زدن به راست ممنوع

السَّيْرِ فِي هَذَا الْمَوْجِذِ مَحْنَعٌ . : عبور ممنوع

إشارةٌ مُرورِ المُشاةِ: چراغِ عبورِ عابرِ پیاده

تَقْتَرِبُ مِنَ الْمَطْعَمِ: به رستورانِ نزدیکِ میِ شوید

الدَّوْرانِ عَلَا أَيْسار: دورزدنِ به چپِ ممنوعِ ممنوع

\*درستی و نادرستی صفحه

۱۸ -

۱-درست ۲.درست ۳-نادرست ۴-نادرست ۵-

وزن کلمات

بعضی از کلمات در عربی سه حرف اصلی دارند مانند: حاکم: ح-ک-م جالس: ج - ل-س که به این سه

تمرین

\*تمرین اول صفحه ۱- ۲۰-ع ب د (عبادت کننده-عبادت شده) ۲-ف ت ح (باز کننده-باز شده)

۳-ک ت ب نویسنده-نوشته شده ۴-ض ر ب (زنده-زده شده) ۵-خ د م (خدمت کننده-خدمت شده)

۵-ش ه د (بیننده دیده شده)

\*تمرین دوم صف ۲۱-هج ۱-أَفْعَل - يُفْعَلُ-إِفْعَال ۲-فَعَلَ-يُفْعَلُ-تَفَعَّل - تَفَاعَلَ-يَتَفَاعَلُ-تَفَاعَل ت-تَفَعَّلُ-يَتَفَعَّلُ

تَفَعُّ ۵-اسْتَفْعَلَ-يَسْتَفْعَلُ-اسْتِئْعَا ۶-فَاعَلَ -يُفَاعَلُ-مُفَاعَلًا ۷-انْفَعَلَ-يَنْفَعَلُ-انْفَعَا ۸-اِفْتَعَلَ-يُفْتَعَلُ-اِفْتَعَلًا

.....فیه ۵-جریانس ....الدموع

\*تمرین چهارم صفحه- ۲۲ من:أنا تو:أنت-أنتِ او:هو-هي ما:نحن شما:أنتم-أنتن-نتم ایشان:هم-هن-همن

\*تمرین پنجم صفحه- ۲۳ ۱-حَدَّثَ ۲-جِدَاوَةٌ ۳-تَلْمِيحٌ ۴-صَلَمَةٌ ۵-لَاؤُ

\*تمرین ششم صفحه- ۲۳ ۱-هادی ۲-خاتم ۳-أَكَلَ ۴-جار ۵-نادی

\*تمرین هفتم صفحه- ۲۴ فاعل:عالم يَفْعَلُ:يَسْتُرُ فَعَالَةٌ:سَعَادَةٌ فِعْلٌ:عِلْمٌ فِعَالٌ:عِبَادٌ

۱-قطعا خداوند دانای نهران آسمان ها وزمین است . ۲- از خوشبختی فرزند آدم خوش اخلا ف از بدبختی آدم بد اخلا ف است

۳-ارزش انسان به دانش و ادب است نه به اصل و نسب . ۴-همانا محبوب ترین بندگان خدا نزد خدا اندر زگوترینشان به بند گانش است . ۵-ادب خوب زشتی نسب را می پوشاند.

\*تمرین هشتم صفحه- ۲۵ ۱-هما صغیرتان ۲-هاشم ۳-هاشم ۴-من مَدِينَةَ سَرَاوَان ۵-فِي صَلَاةٍ فَالْتِ اسْمِ عَاخُتَا

\*ترجمه نور السماء صفحه- ۲۷ ۱-هر کس به خدا و روز قیامت ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد پس برایشان نزد پروردگارشان پاداشی است . ۲-ای کسانی که ایمان آوردید چرا می گوئید آنچه را انجام نمی دهید . ۳-قطعا در فرستاده خدا برای شما الگوی نیکویی است . ۴-هر گاه بندگانم از تو درباره من بپرسند ، بگو من نزدیکم .

\*\*\*\*\*

ایران تونش  
پوشه ای برای موفقیت

الدرس الثالث(درس سوم

كَانَ حَمِيدٌ وَسَعِيدٌ أَخَوَيْنِ فِي مَزْرَعَةِ قَمَحٍ؛ فِي أَحَدِ أَيَّامٍ وَقَعَتْ عَدَاوَةٌ بَيْنَهُمَا وَغَضِبَ لِأَخِ كَبِيرٍ حَمِيدٌ عَلَى لِأَخِ لِأَخِ صَغِيرٍ سَعِيدٍ وَقَالَ لَهُ:أُخْرِجْ مِنْ مَزْرَعَتِي حَمِيدٌ وَسَعِيدٌ دُو بَرَادِرٍ فِي مَزْرَعَةٍ كُنْتُمْ بَدَنْتُمْ؛ فِي يَوْمٍ مِنْ يَوْمَيْهَا مَيَانِشَانِ دَشْمَنِ افْتَادَ وَبَرَادِرٍ بَزْرَگٍ تَر حَمِيدٌ بَر بَرَادِرٍ كَوِجَكٍ تَر خَشْمَ گَرَفْتِ وَبِهْ اَوِ گَفْتِ: «از مزرعه ام خارج شو.

وَقَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لِزَوْجَةِ سَعِيدٍ: أَخْرِجِي مِنْ بَيْتِنَا. «و همسر حمید به همسر سعید گفت: «از خانه مان خارج شو.

فِي صَبَاحٍ أَحَدِ الْأَيَّامِ طَرَقَ رَجُلٌ بَابَ بَيْتِ حَمِيدٍ؛ عِنْدَمَا فَتَحَ حَمِيدٌ بَابَ الْبَيْتِ؛ فِي صَبْحٍ يَكِيٍّ مِنْ رُؤُوسِ مَرْدِيٍّ فِي خَانِهِ حَمِيدٌ رَازِدٌ؛ وَقَتِيٍّ كَمَا فِي خَانِهِ رَازِدٌ؛

شَاهِدَ نَجَّارًا؛ فَسَأَلَهُ: مَاذَا تَطْلُبُ مِنِّي؟ نَجَّارِي رَافِدِيٍّ وَازِئِيٍّ وَرَافِدِيٍّ: «أَزْمِنُ بِمَا تَوَاصَلُ؟!»

أَجَابَ نَجَّارٌ وَأَبْحَثَ مِنْ عَمَلِهِ عِنْدَكَ عَمَلٌ نَجَّارٌ جَوَادٌ «دَنبَالِي كَارِمٌ كَرْدٌ» جَوَادٌ جَوَادٌ جَوَادٌ هَسْتُمْ؛ أَيَا كَارِي دَارِي؟

فَقَالَ حَمِيدٌ: «بِالْأَكِيدِ عِدَّةً مَكْمُولَةً وَحَلًّا بِأَيْدِيهِ». حَمِيدٌ كَفَّتْ: «الْبَيْتُ؛ مُشْكَلِي دَارِمٌ وَحَلُّهُ فِي دَرِّدِ تَوَسُّطِ.

قَالَ نَجَّارٌ: «مِنْهُ مَكْمُولَتُكَ» نَجَّارٌ كَفَّتْ «مُشْكَلِي جَيْسْتِ

أَجَابَ حَمِيدٌ: «ذَلِكَ بَيْتٌ جَارِيٌّ؛ هُوَ أَخِي وَعَدُوِّي؛ أَنْظِرْ إِلَيَّ ذَلِكَ لِلْأَهْرِ» وَكَانَ الْمَرْءُ زَرَعَ إِلَى نِصْفِيٍّ بِذَلِكَ النَّهْرِ

حَمِيدٌ جَوَابٌ دَادٌ: «أَنَّ خَانَهُ هَمْسَايَةِ أُمِّهِ؛ وَرَادِرٌ وَدَشْمَنٌ أَسْتِ؛ بِهِنَّ أَنْ رُودْخَانَةَ نَظَّارٌ؛ أَوْ مَزْرَعَهُ رَافِدِيٍّ بِأَنَّ نَهْرَ (جَوِيٍّ) بِهِنَّ دُوْنِيٍّ تَقْسِيمٌ كَرْدَةٌ أَسْتِ؛

إِنَّهُ حَفَرَ لِلْأَهْرِ نَهْرًا عَضَبًا عَلَى بَعْدِ أَرْضِ خَشْبُكَ ثَقِيًّا فِي الْمَخْزَنِ وَجَاءَ لِحَنْعِ جِدَائِ شَخِيًّا بِهِنَّ. نَافِئُهُ رَافِدِيٍّ أَسْتِ؛ بِرَمْنِ خَشْمَكِينِ أَسْتِ. چوب های بسیاری در انبار دارم؛ لطفاً دیواری چوبی میان ما بساز.

ثُمَّ قَالَ لِلْمَجْرَاءِ: «أَأَأَذْهُ إِلَى اللَّهِ وَرَأْسِي» عِنْدَ رَجْعِهِ إِلَى مَزْرَعَتِهِ مَلَّهَ تَعَجَّبَ كَثِيرًا؛ بَعْدَ نَجْزِ كَفَّتْ: «مَنْ بِهِنَّ بَازَارِ مِي رُومٍ وَبَعْدَ از ظَهْرِ بِرَمِي كَرْدَمِ. «هَنَكَامِي كَمَا حَمِيدٌ بَعْدَ از ظَهْرِ بِهِنَّ مَزْرَعَهُ اش بِرَكْشَتِ خِيَلِي تَعَجَّبَ كَرْدِ؛

نَجَّارٌ رَافِدِيٍّ صَنَعَ جِلْدًا لِلصَّنْعِ جِلْدًا عَدَا الْأَهْرَ فِي عَضَبِهِ قَالِجًا: «مَنْ لِي فَعَلْتُ لِمَ لَصَنَعْتُ سَجْرًا!

لِنَجَّارِ دِيوَارِي نَسَاخَتِ؛ بَلَكَمَا پَلِي رَافِدِيٍّ نَهْرَ سَاخَتِ، بَعْدَ حَمِيدِ خَشْمَكِينِ شَدَّ وَبِهِنَّ نَجَّارٌ كَفَّتْ: چَه كَار كَرْدَهُ أَي؟ چَرَا پَلِي سَاخَتَهُ أَي؟!

فِي هَذَا الْوَقْتِ وَصَلَ سَعِيدٌ وَشَاهَدَ جِسْرًا فَحَسِبَ أَنَّ حَمِيدًا مَرَّ بِصُحْبِ جِسْرٍ دَائِيٍّ وَقَدْ سَعِيَ رَسِيًّا پَلِي رَافِدِيٍّ كَمَا كَرْدِ كَمَا حَمِيدٌ بِهِنَّ سَاخَتِنِ پَلِي دَسْتُورِ دَادَهُ أَسْتِ

فَعَبَّرَ الْجِسْرَ وَبَدَأَ بِالْبُكَاءِ وَبِقَوْلِ أَخِي وَاعْتَذَرَ؛ بَعْدَ پَلِي رَافِدِيٍّ كَرْدِ شَرُوبِ كَرْدِ رَافِدِيٍّ عَذْرُوسَتِ؛

ذَهَبَ حَمِيدٌ إِلَى الْمَجْرَى وَشَكَرَهُ وَقَالَ: «أَنْتَ ضَيْفٌ لِمَثَلِ ثَأْيَا». «حمیده سی بجزرت و ز و شکر کرد و گف  
«تو برای سه روز مهمان من هستی.

اعْتَذَرَ الْمَجْرَى وَقَالَ: «سُو كَثُوبًا قِيَةً عَلَى الْمَثَبِ لِمَسْنَعِهَا» نجا ر عذرخواهی ر و گ: «پل ای زیدی ما  
است؛ باید برای ساختن آنها بروم.

مِنْ كَلَامِ رَكْعَةِ الْإِثْنَيْنِ يَنْظُرُ الْمَلِكُ إِلَيْهَا: قَاعِ الْمَرْءِ وَارِ الْمَلِكِ د ت ن خ د و ن به نها گاه نمی مند بونده پی  
خویشان و همسایب د

\*درستی و نادرستی صفحه ۳۲- ۱-درست ۲-نادرست ۳-نادرست ۴-درست ۵-درست

\*پاسخ تصاویر صفحه ۳۲- ۱- برای چه تو تنهایی؟ با همکلا سه های باز ک (مذک) ۲- برا چه تنهایی به  
هم کلا سه های باز ک (موند

\*پاسخ تمرین اول صفحه ۳۴- ۱-درست ۲-نادرست ۳-درست ۴-درست ۵-نادرست

\*پاسخ تمرین دوم صفحه ۳۴- ۱- لطفا، با ما فوتبال بازی کن (مذکر) ۲- لطفا، با ما فوتبال بازی کن (مونث

\*پاسخ تمرین سوم صفحه ۳۵- ۱- پروردگارا ما ایمان آوردیم پس گنا هان ما را ببخش و به ما رحم کن و تو بهترین  
مهربانان هستی. ۲- برای من یاد خوب در (میان) آیندگان قرار بده. ۳- پروردگارا ما ایمان ایمان آوردیم  
پس ما را همراه گواهان بنویس ۴- ما را بر گروه کافران پیروز کن.

\*پاسخ تمرین چهارم صفحه ۳۵- مفرد مونث: زَوْجَةٌ مثنای مذکر: جِسْرَيْنِ مثنای مونث: تَلْمِيذَاتِنِ

جمع مذکر سالم: راحِمُونَ جمع مونث سالم: صالحات جمع مکسر: صِعب

\*پاسخ تمرین پنجم صفحه ۳۶- ۱- ای برادرم، سخن معلم مان را بشنو. ۲- ای خواهرم، سخن معلم مان را بشنو ۳-

ای دانش آموز، پروردگارت را شکر کن (مذکر) ۴- ای دانش آموز، پروردگارت را شکر کن (مونث

\*پاسخ تمرین ششم صفحه ۳۶- ۱- اِرْحَمَ ۲- جِسْرًا ۳- قَدَّمَ ۴- قَدَّ ۵- ضَعُوبًا ۶- صَنَعَ

\*پاسخ تمرین هفتم صفحه ۳۷- جَمَالٌ ≠ قُبْحٌ / تَلْمِيذٌ = طَالِبٌ / عِنْدَمَا = لَمَّا / حَزِينٌ = مَحْزُونٌ / شَقَاوَةٌ ≠

سَعَادَةٌ

\* ترجمه كَنْزُ الْحِكْمَةِ صفحه - ۳۷ ۱- بدان که پیروزی همراه بردباری است. ۲- خدا را شکر نمی کند کسی که از مردم سپاسگزاری نمی کند. ۳- ناتوان ترین مردم کسی است که از بدست آوردن برادران ناتوان است. ۴- هرگاه بر

دشمنت چیره شدی پس بخشش را شکرانه تسلط بر او قرار بده. ۵- دانش و مال هر عیبی را می پوشاند و نادانی و فقر هر عیبی را آشکار می کند.

#### الدرس الرابع (درس چهارم)

\* ترجمه متن: الصبر مفتاح الفرج

ونادانوقعت هذه الحكاية قبل أربعين سنة في بلاد ايركيا چه سا پيد کشور اذما افتاد است

ذهب اثناعشر طالبا من طلبة جامعة مع أساتذتهم لرحلة سفرة علمية لتبنيهم أبحاثهم في دوازه دانشو دانشجویان دانشگاه همراه استادشان برای تهیه پژوهش هایی درباره ماهی دریا که در آنجا یافتند.

كانت مياه البحر هادئة؛ فجأة ظهر سحاب في السماء ثم هب ريح شديدة طردتهم من الجبل. بهی دریا آرام بود ناگهان ابری در آسمان ظاهر شد؛ پس بادهای شدیدی (وزید) وزیدند و دریا توفانی شد.

فأصابت سفینتهم صخرة؛ فخافوا؛ السيففة لكسرت قلوبنا هط غرق؛ کشتیان به تته سگی برخورد کرد کمی شکست، ولی غرق نشد؛

عندما وصلوا إلى جزيرة مجهولة، فرحوا كثيرا وشكروا ربهم فزلت الجزيرة و فيها وقتك في جزيرة ناشناخته رسیدند بسیار خوشحال شدند و پروردگارشان را شکر کردند و در آن پیاده شدند.

مضى يومان؛ فما وجدوا أحدا في الجزيرة؛ وما جاء أحد لنجاتهم؛ قال لهم الأستاذ: دو روز گذشت و کسی را در جزیره پیدا نکردند و کسی برای نجاتشان نیامد؛ استادشان به آنها گفت:

«يا شباب، عليكم بالمحاولة. اسمعوا كلامي واعلموا بأنه كان أحدا شيء عذبتكم بمؤذنا أبحا نك» «ای جوانا، با تلا کنید سخن را گو کنید با آعم کنید گوی چیز نشد است» (اذا ما نيفتاد اس). (باید تحقیقات را ادامه

دهید.

ثُمَّ قَسَمَهُمْ إِلَى أَرْبَعَةِ أَفْرَقَةٍ وَقَالَ لِلْفَرِيقِ الْأَوَّلِ: «يَا طَلَبَةُ بُولِيْعِنَ صَيْدِوِاجِمَعِوِ الْحُطْبِ. سِپِ آنه ر به چها گروه (تیم) تقسیم کرد و به گروه اول گفت: «ای دانشجویان، دنبال صیدی بگردید و هیزم جمع کنید و قَالَ لِلْفَرِيقِ الثَّانِي: «يَا طَالِبَانِ، اجْلِبَا بَعْضَ الْأَشْيَاءِ الضَّوِّ وَ الْمَلْمُؤِنَةِ وَ وَ به گروه دوم: «ت: ای دانشجوها مقد اشیاى ضرورى لگشته یبیاورید.

و قَالَ لِلْفَرِيقِ الثَّلَاثِ: «يَا طَالِبَاتُ، أُطْبِخْنَ لَنَا طَعَامًا.» و به تیم سوم گفت: «ای دختران دانشجو، غذایی برایمان بپزید.»

و قَالَ لِلْفَرِيقِ الرَّابِعِ: «يَا طَالِبَاتِنِ، ابْحَثْنَ عَن مَوَادِّ غَدَائِيَّةٍ.» و به گروه چهارم گفت: ای دانشو دنبال مواد غذا بگردید(درباره موادغذائی جستجو کنید

ثُمَّ قَالُوا لِدَجْمِجِ الصَّبْرِ وَ إِنَّا الْمَصَابِرِينَ ﴿﴾ «مَضَى أُسْبُوعٌ سِپِسْ به همگی گفت: «صبر کنید؛ قطعاً خدا با صبرکنندگان است. هفته ای گذشت.

فِي يَوْمٍ مِنْ لَأَيَّامِ نَزْلِ مَطَرٍ شَدِيدٍ وَ أَصَابَتْ صَاعِقَةٌ سَفِينَتَهُمْ فَاحْتَرَقَتْ. در روزی از روزها باران شدیدی بارید (نازل شد) و صاعقه ای به کشتیشان برخورد کرد و کشتی آتش گرفت.

قَالَ طَلَبَةُ بُولِيْعِنَ: «رَجُلٌ لِحِجَّتِنَا» فَقَالَ سَتُنْهَذُهُ الْإِيْتِيْدُ أَيُّهَا الْإِنْسَانُ آمِ اصْبِرُوا. دانشجوها گفتند: «هیچ امیدی به نجاتمان نیست. پس استاد این آیه را خواند: (ای کسانی که ایمان آورده اید صبر کنید).

حَزَنَ الظُّبُوبُ وَقَالُوا: فَقَدْنَا سَفِينَتَنَا. «دانشجوها غمگین شدند و گفتند: «کشتیمان را از دست دادیم.

وَبَعْدَ آدَاءِ الصَّلَاةِ الصَّخْرَةُ صَخْرَةٌ مُبْعَثَةٌ: و پس از به جا آوردن نماز و عاکی از ایمان ناگان فراد. انظروا یا زملائی انظروا زملایان. ای پسران کلاسی م، ناه کنید. ای دختران هم که ساهگاه ک

تِلْكَ سَفِينَةٌ حَرَبِيَّةٌ تَقْتَرِبُ مِنَّا.» آن یک کشتی جنگی است که به ما نزدیک می شود.

السَّيْفُ الْمَلْحُورِيُّ لِقَتَوْا بِهِ مِنْهُمْ نَزَمَ نَجْدُودٌ. فَرِ الظُّبُوبُ وَسَأَلُوا لِحِجَّتِنَا: «كَيْ وَجَدْتُمْ مَكَانَ

کشتی جنگی به آنها نزدیک شد و سربازان از آن پیاده شدند. دانشجویان خوشحال شدند و از سربازان پرسیدند: «چگونه جای ما را پیدا کردید؟!»





حاولَ اللهُ بَ وَاعْتَمَدًا خُرُوجًا رَأَى خِي و لَكَ بِه فَلَاحَهُ . روبه و آو بری بیرن آمَن بر دیر تَش کَرَن د لى بی فا بود.

يَسَّتِ الْغَزَالَةُ وَبَقِيَتْ فِي مَكَانِهَا وَكَانَ الْغَزَالَةُ لَمْ يَكُنْ كَثِيرًا . آو اآمد د و ر جاش ماز، وى روبه خيى تَش ك قالت لَهُ الْحَمَامَةُ: لَمْ لَا تَقْدُرُ لِمَ حَوْلَ لَهَا قَبْلَ مَجِيئِكَ . «كبوت با گفت» «ت نم توانی چر تلاش ی کنی! سرنوش را بپذیر.

لَكِنَّ الْغَزَالَةَ لَمْ تَرَ مِ الْحَمَامَةَ . فِي ذَالِ الْوَقْتِ وَهِيَ هَاهُنَا قَالَتْ: وى روبه ز چاه بیرن آمَن . ن هَنگَم هَد د ر س د و گف أَنَا أَعْرِفُ هَذَا اللهُ بَ وَثَقِيلًا لَسَمِعْتُ هَذَا أَنْ بَطَلَمَةَ نَجَّاهُ عَلَى الْخُرُوجِ «من این ر با ر می شنسم ا کم شنوست گمان کرده است که کبوتر او را تشویق به بیرون آمدن می کند.

قَالَتِ الْحَيَوَانَاتُ: نَحْنُ ظَلَمْنَا الْغَزَالَةَ. عَلَيْنَا بِمُسَاعَدَتِهَا . «حيوانات گفتند: «ما به آهوستم کردیم. باید به او کمک کنیم.

قَالَتِ الْحَمَامَةُ لِلْغَزَالَةِ: أَخْرَجِي. أَنْتِ تَقْدِرِينَ عَلَى الْخُرُوجِ بِسَهْلَةٍ. لَا تَيْأَسِي . «كبوت با آهوگفت خار شد ت با آسانم توانی خارج شوی. ناامید نشو.

حَاوَلَتِ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ وَتَأَخَّرَ فَخَرَجَتْ وَجَدَتْ حَيَوَانَاتًا أَهْيَ بِهَا دَيْكًا تَلَّاشُ كَدَّ وَبَيْرِنَ آدَّ وَحَيَوَانَاتٍ خَوْشِحَ شَدَنَدَ .

قال رسول الله: مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَّ وَجَدَ هَرَكْسَ چيزی بخواهد و تلا کند موفَّ م شود (هرک چیز خواست تل کرد، موفق شد.

# ایران تونل

## توشه ای برای موفقیت

\*درستی و نادرستی صفحه - ۵۲ ۱- نادرست ۲- درست ۳- نادرست ۴- نادرست ۵- نادرست

\*ترجمه تصاویر صفحه - ۵۲ ۱- چیزی بر روی درخت ننویس . (مذکر) ۲- چیزی بر روی درخت ننویس . (مونث)

بدانیم

فعل نهی:

فعل نهی		فعل مضارع	
انجمن	لَا تَفْعَلْ	انجام می دهی	تَفْعَلُ تَفْعَلِينَ

**\*فرق فعل مضارع منفی و فعل نهی**

فعل مضارع منفی	فعل نهی	فعل مضارع منفی	فعل نهی
لا توجن غمگی نم شو	لا تجزن : غمگن ن	لا تكدني : دوغ می گ	لا تگبی : روغ

\* ترجمه کنید صفحه -۵۳ ۱- از رحمت خدا نا امید مشو ۲- لا تشرب شایده و آ

\* پاسخ تمرین اول صفحه -۵۴ ۱- حَدِيقَةُ الْحَيَوَانَاتِ: باغ وحش ۲- مُحَاوَلَةٌ: تلا کرد ۳- لَكَ: س:

۴- مَصِيرٌ: سرنوشت ۵- ثَقِيلٌ السَّمْعُ: ک شنو

\* ترجمه تصاویر صفحه -۵۴ ۱- ای دوستم ، کیفیت را اینجا قرار نده (مذکر) ۲- ای دوستم، کیفیت را اینجا قرار نده (مونث)

\* پاسخ تمرین سوم صفحه -۵۵ ۱- پروردگارا ما را با گروه ستمگران قرار ندلا. تَجْعَلُ فَعْلَهُ ۲- اندوهگی مباح همان

خدا با ماسلا. تَحْزَنُ فَعْلَهُ ۳- هنگام ک عصبان شد پ سکو کن سَكْتُ فَعْلَهُ ۴- برا دنیا ک گوی

که تو برای همیشه زندگی می کنی و برای آخرت کار کن گویی که تو فردا می میری اَعْمَلُ: فعل امر

\* پاسخ تمرین چهارم صفحه -۵۶ ۱- دوستی را بکار و دشمنی را نکار. ۲- ای دختر بچه ساکت شو و فریاد نزن.

۳- در زندگی ات راست بگو و هرگز دروغ نگو. ۴- در شب برای عبور از خیابان لباس سفیدی بپوش و سیاه نپوش.

\* پاسخ تمرین پنجم صفحه -۵۶ ۱- مِصْبَاحٌ ۲- نَجَاحٌ ۳- غَايَةٌ ۴- أَخَذَ ۵- جَدٌّ ۶- كَبِرَ ۷- افْتَحَ

\* پاسخ تمرین ششم صفحه -۵۷ ۱- لِلدَّمَكَةِ ۲- لَوْرَفٍ ۳- اَلْعَمَّةُ ۴- اَلْحَمَلِ ۵- اَلْفُ ۶- لَأْسٌ ۷- لِعَصْفُ

۸- اَلْكَلبُ ۹- اَلْفَرَسُ

ایران تونش  
توشه ای برای موفقیت

پاسخ تمرین هفتم صفحه ۵۸ ۱- اَلْکَلْبُ ۲- يُحَاوِلُ ۳- اقْتَرَبَ ۴- ابْحَثِ ۵- حَزِينٌ ۶- اِثْنَانٌ ۷- اِذَا

۸- مِهْنَةٌ ۹- مُوَاصَلَةٌ ۱۰- صَالِحٌ ۱۱- نَزَلُوا ۱۲- جَاهِلٌ ۱۳- مِهْمَةٌ ۱۴- شَجَعْنَا ۱۵- اَسْنَانٌ ۱۶- ذَهَابٌ

رَمَزٌ: لَا تَحْزَنْ أَلَمْ

\* پاسخ كَنْزُ الْحِكْمَةِ صفحه -۵۹ ۱- گفتن نمی دانم نیمی از دانش است. ۲- هر کس در خردسالی اش بپرسد در بزرگ سالی

اش پاسخ می دهد. ۳- هر چیزی با بخشیدن کم می شود بجز دانش. ۴- زیبایی دانش گسترش آن و میوه آن عمل کردن به آن

است. ۵- ای مردم، بدانید که کمال دین ،خواستن دانش و عمل کردن به آن است.

\*ترجمه متن: تَغْيِيرُ الْحَيَاةِ: تغییر زندگی

ابتدأ العام الداربي أ لجدية ذه تلامذ القرية إلى ملأوا سة : قال تحصلي نو آازش و دنش آموان روتا مدرسه رفتند.

كانت القرية صغيرة و جميلة. دخلت المدرسة فإلص لراج آن روتا كچ و زبا و د خنم مع م ورد چهارم شد.

كانت لاف م زحمة لآ المدر تملب نة: «ك جملوا عى الأييم» «وقلت للملبيق: ك جلمن سكاى الأيسا» «لا س بود. خانم معلّم به پسرها گفت: «سمت راست بنشینید.» و به دخترها گفت: «سمت چپ بنشینید.»

هى شاهدت تلميذة راسبة باسم «سارة». فحزنت و ذهبت لمشاهدة ملّفه لالظ ع علمى ما. لها او انش آوزى م به نام ساره را دید ناراحت شد و برای دیدن پرونده اش و برای آگاه شدن بر گذشته اش رفت.

فى مفا السنلا و ل: هملاني جيته جد. تكتبوا جباتها جيا. ه شيطنة و ذيكّة. د پروند سا نخست ا داز آموزى بسيار كوشاست. تكاليفش را به خوبى مى نويسد. او فعّال و باهوش است.

وفى مفا السنن الثلثية: هملاني جيته جد. كنهل حزينّة. ألهم راقدة فى المس تطفى. و در پروند سال دو: او آموزى بسيار كوشاست. ولى غمگين است. مادرش در بيمارستان بسترى است.

وفى مفا السنن الثلثية: ه فقد ولدتاى هسلانن. بى حنة جد و در پرونده مال سم: او مارش را امال دست داد. او بسيار غمگين است.

وفى مفا السنن الراجعة: ه تر ك الم رلسة ولا بت الم رسة و تلم فى آف. و در پرونده سال چهارم: خواندن را ترك كرد و مدرسه را دوست ندارد و در كلام خواب

المدرسة لآ م نفسا غي تظريقة تويسا. خنم مع م خدش را سرنش ر و وش تدر سش را تغيير.

بَعْدَ مَدَّةٍ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِ الْمُدْرَةِ سَجِدًا بِالتَّلَامِذِ هَدِيَا لَوْلَا لَمْ يَكُنْ لِمُدْرَةٍ تَلْهُ هَدِيَةً فِي وَرَقِ ص

پس از مدتی دانش آموزان در جشن تولد خانم معلم برایش هدیه هایی آوردند و ساره برای خانم معلمش هدیه ای در برگی روزنامه ای آورد.

كَانَتْ الْهَدِيَّةُ زَجْرًا عَطِطَ أُمُّهَا فِيهَا قَلَمٌ لَمْ يَلْمِذُ فَضَحَ التَّلَامِذُ أَنْ مَدِيَةَ عَطْرِ مُدْرَسٍ بُو كَمْ عَطِ  
آن بود و دانش آموزان خندیدند؛

فَقَالَتْ الْمُدْرَةُ سَدًّا لِمَنْ يَخُفُّ «لَا ضَحْكَ» «لَمْ يَلْمِذُ» «لَمْ يَلْمِذُ» الْمُدْرَةُ عَطِطَ نَفْسَهَا بِرُوحِ خَانِمِ عَلِ  
پسرها گفت: «خندید» و به دخترها گفت: «نخندید». خانم معلم با آن عطر به خودش عطر زد.

جَاءَتْ سَارَةُ عِنْدَ مُوَدَّتِهَا «عَرَا نَحْتِكُمْ مَرَّةً حَقًّا مَرَّةً». «سَارَةُ نَزَمَتْ لَهَا» أُمُّهَا كَقَوْلِهَا «بُو تَمَانِدُ بُو مَادِرِ  
است.

شَجَعَتْ لِمُدْرَةِ سَارَةَ؛ فَطَمَّرَتْ تَلْمِذِيَةً مِثْلِيَّةً. خَانِمِ عَلِ سَاهُ اتَشَوَّقَ كَدُو وَدَاشَ أَمُوِي وَمُفِقِ .

وَبَعْدَ سَنَوَاتٍ؛ اسْتَلَمَتِ الْمُدْرَةُ سَرِيَّةً مَسِيرًا مَتَوَكِّفَةً فِيهَا بِأَجْنَاسِ خَانِمِ عَلِ نَامِ السَّارِ دَرِيَا  
کرد که در آن نوشته شده بود:

أَنْتِ أَفْضَلُ مُعَلِّمَاتِهِ دَتَّهَا فِي حَالِي أَنْتِ غَيْرُ مُصِيرٍ. أَمَا لِأَنَّ طَبِيبِي «تُو بَهْتِيْنِ مُعَلِّمِي هَتِي كِه دَرِ زَنْگِي  
دیده ام. تو سرنوشتم را تغییر دادی. من حالا پزشک هستم.

وَبَعْدَ مَدَّةٍ، اسْتَلَمَتِ الْمُدْرَةُ سَرِيَّةً خُرْمًا مَرِيًّا طَبِيبِي سَارَةَ؛ وَسِ زَمَانِ خَانِمِ عَلِ نَاهُ دِيگِي اَزْ خَانِمِ عَلِ  
ساره دریافت کرد.

طَلَبَتْ مِنْهَا الْحُضُورَ فِي حَفْلَةِ زَوَاجِهَا وَالْجُلُوسَ فِي مَكَانٍ مُلَاعِرٍ  
پس از آن مادر عروس را خواسته بود.

عِنْدَمَا حَضَرَتْ مُوَدَّتِهَا فِي حَفْلَةِ زَوَاجِهَا قَالَتْ لَهَا سَارَةُ شُكْرًا جَزِيلًا لِمَا يَمْلِكُ غِيَا تَحِيَّاتِي. هَذَا كِه  
معلم در جشن عروسی اش حاضر شد؛ ساره به او گفت: ای خانم! تو زندگی ام را تغییر دادی.

فَقَالَتْ لَهَا الْمُدْرَسَةُ «ابنته؛ أ زَعِيَّتَ رَتِّحِي فَعَرَفْتُ فَكَأَدْرُ» « پس از منم ملّا به او «ت: «زای دخرم زندگی ام را تغییر دادی؛ پس یاد گرفتم (آموختم) چگونه درس بدهم.

\* پاسخ تمرین صفحه - ۶۴

۱. عَلِيَّ الْيَسَارِ      ۲. لِوَالِدَةِ سَارَةَ      ۳. فِي الرَّابِعِ      ۴. زُجَاجَةَ الْعَطْرِ      ۵. نَعَمَ

\* پاسخ تصاویر صفحه - ۶۴

۱. ای همکلاسه هایم لطف پاییه نیاید با بروی (مذ) . ای همکلاسی هام، لفا پایین نیاید، الا بر (ید).  
۳. ای دو همکلاسی لطف پاییه نیاید با بروی (مذ) . ای و همکلاسی لفا پایین نیاید، الا بر (ید).

\* پاسخ ترجمه کنید صفحه - ۶۵

۱. در شب زیر درخت نخواهید.      ۲. ای خواهرانم، بدون حجاب ظاهر نشوید.  
۳. ای برادرم، با صدای بلند نخند.      ۴. تنها خارج نشو، با همکلاسه ا خار شو

\* پاسخ تمرین اول صفحه - ۶۶

۱. صَوْم (روزه)      ۲. نَشِيْط (فعال)      ۳. مَزْدَحَم (شلوغ)      ۴. رَاسِب (مردود)      ۵. حَفْلَةَ (جشن)

\* پاسخ تمرین دوم صفحه - ۶۶

۱. عیب های دوستانتان را آشکار نکنید.      ۲. اینجا ننشین؛ آنجا بنشین.  
۳. از اینجا برو      ۴. از این آب نوش.  
توشه ای برای موفقیت

\* پاسخ تمرین سوم صفحه - ۶۷

۱. برای ما در این دنیا و آخرت نیکی بنویس.      ۲. پروردگارا ما را با گروه ظالمان قرار نده لا تَجَلَّ لَ (نه)  
۳. خدا به آدم و حوا گفت: به این درخت نزدیک نشوید. لا تَقْرَبُوا (نه)      ۴. به آنچه گویند صب کن اصبر (امر) يقولون (مضارع)  
۵. و نعمت خداوند را شکر کنید. اَشْكُرُوا (امر)

\* پاسخ تمرین چهارم صفحه - ۶۸

ماضی: ظَهَرَ - قَدَفْتُمْ ماضی منفی: مَا طَبَخْتُ - مَا رَسَمْنَا مضارع: تَعْرِفِينَ - يَنْعُ مضارع منفی: لَا يَدْرُسُ لَا يَصْرُ

امر: اَتْرِكْ - اشْرَبْ نهی: لَا تَغْضَبْ - لَا تَحْسَدْ مستقبل: سَ وَيَسْكُ - سَتَحْفَظُ

### \*کنز الحکمة (گنج حکمت) - صفحه ۶۹\*

۱. به فراوانی نمازشان و روزه شان و زیادی حج نگاه نکنید .. و اما به راستگویی و امانتداری نگاه کنید.
۲. شما باید صبر کنید زیرا صبر برای ایمان مانند سر برای بدن است.
۳. به آنچه گفته شد نگاه کن به گوینده نگاه نکن.
۴. هیچ فقیری مانند نادانی و هیچ ارثی مانند ادب نیست.
۵. کسی که خشمش را دور کند خداوند عذابش را از او دور می کند.

\*\*\*\*\*

الدرس الساس (درس هفتم)

ترجمه متن: أَدَّرُ اسْلِبًا: ثُمَّ رَأَى الْجَدَّ مَوًّا تَل

كانَ اِدِيسونَ فِي السَّابِعَةِ مِنْ عُمُرِهِ، عِنْدَمَا عَجَزَتْ أُسْرَتُهُ عَنْ دَفْعِ نَفَقَاتِ دِرَاسَتِهِ: اِدِيسونَ دَرِ سِنِّ هَفْتِ سَالِگِی بُوَد، (هَفْتِ سَالِه بُوَد) هِنِگامِی کِه خانوادِه اش از پَرداختِ هَزینِه هایِ تَحْصیلِش دَرمانَد.

فَطَرَدَهُ مُدیرُ مَدْرَسَتِهِ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَقَالَ عَنْهُ: «إِنَّهُ تَلِمَ يَذْهَبُ قِيٌّ» فَصَلَّوْا بِمِغْفُوْرٍ اَكِه پِ مَدِی مَدْرَسِ ا ا ر ا مَدْرَسِه بیرون کرد، و دَر بارِه اش گَفْت: «او دَانش اَموزی نادان است.» پَس میوِه فَرُوشِ شَد.

وَلَكِنَّكُمْ تَرَكُوا الدَّرْسَةَ؛ بِدَرِّ رَ بَمِلْعَدَا اَّمِّمْ؛ سَلِمَدَتْهُ كَثیرٌ. لی او رَس خِوادن را رَك نَكْد؛ بِكِه بِه مَادَرش دَرَس خِوَانَد. او خِیَلی كَمَكش كَرَد.

كانَ اِدِيسونَ تَقِیلَ لِلدَّمْعِ؛ سَبَبًا لِثَمًا وَمَرَضًا جَسَدِيًّا يَلْمُ الطَّوْفَةَ. اِدِيسونَ بِه سَببِ حَادِه اِبِمایِی ه رِوَزِه كُودَكِی دِچارش شَدِه بُوَد كَم شَنوا بُوَد.

إِدِيسُونُ أَحَبُّ الْكِيمِيَاءِ صَنَعَ مَخْذُوبًا صَغِيرًا فِي وَكَلِهِ وَبِهِ دُخَانٌ قَدَّ عَلَى شِدَائِهِ بِعَالِمُوا الْكِيمِيَاءِ وَآلَاءُ دِ الْعِلْمِيَّةِ اديسو شيم ر دوس داشت پ آزمایشگاه کوچ د خانا ساخ پا هت توانس برخ مواد شيميایی و ابزارهای علمی را بخرد.

وَبَعْدَ مُحَالَاتٍ كَثِيرَةٍ صَدَّقَ لَمْ يَسُدَّ لِأَيِّ أَحَادِ الْقَطَارِ قَدَّ عَلَى شِدَائِهِ لَطِبَاءٌ وَضَعَهَا فِي عَرَبِيَّةِ الْبُضَائِعِ،

و پس از تلاها بسیار مسدلی یکا قطارها شد توانس دستگا چاپ بخر آرد واگ کالا گذاشت،

وَفِي الْمَسْنَةِ لَعْدِ سِتَّةَ عَشْرَةَ مِنْ عَوْنِهِ كَتَبَ صِغَةً سُمِّيَتْ «طَبَعًا فِي الْقَطْرِ». وَرَسَّ بِانْزِهِ سَالِي رُوزِنَاهِ هَفْتِكِي نُوشت و آن را در قطار چاپ کرد.

فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ انْكَسَرَتْ إِحْدَى زُجَاجَاتِ الْمَوَادِّ الْكِيمِيَاءِ فِي الْمَطْبَعَةِ؛ رِيِي زُرُوزِيَايِي زَشِيهِ هِي مَوَادِّ شِيمِيَايِي دَر چَاپْخَانِه شَكْسَتْ.

فَحَدَّثَ حَرِيْقُ فَطْرَدِهِ رَيْسُ الْقَطَارِ وَعِنْدَمَا انْقَدَّ طَلًّا مِنْ بَيْتِ لِقَطْرِ جَعَلَهُ وَلا يَلْطَفُ فَرَسِيًّا شَرِكْتِهِ. وَآشِ سَوِي رُوي داد و ريس قطار او را بيرون کرد و وقتی كه كودكي را از زير قطار نجات داد، پدر كودك او را ريس شركتش كرد.

كَانَ إِدِيسُونُ مَشْغُولًا فِي مَخْبَرِهِ لِإِيلَانِهَا. هُوَ أَوَّلُ مَنْ صَنَعَ خَلْقًا لِأَبْحَثِ الصَّنَائِعِ اِيَسِنِ شَبْرِ آزمايشگاهش مشغول بود. او نخستين كسي بود كه آزمايشگاهي براي پژوهش هاي صنعتي ساخت.

اخْتَرَعَ إِدِيسُونُ أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ اخْتِرَاعٍ مِنْهُمُ مَا هِيَ أَكْثَرُ كَهَلْبَائِيَّةٍ أَلَمْ صِبْأً لِكَهْرَبَائِيَّةٍ مَسْجُلِ الْمُسْتَقْبَلِ وَطَبَعِ الْمُتَوَكِّفَةِ وَالْمَيْمِ وَطَبَعِ الْمَلِيَّيَا. اديون بيتر از هزار اختراع هم اختراع . د. از آن جمله نيوي بق، چ برق، ضبط كنده موسيقي، عكس هاي متحرك، دستگاه سينما و باتري خودرو.

وَالطَّاقَةُ الْكَهْرَبِلِيَّةَةُ فِي هَذَا حَسَبَ رِيِي سَبَبَ رِيِي لِتَقْدَمِ الصَّنَائِعِ بِجَدِيدَةٍ. وَنُرُوي بَرِ دَرِ اَيْنِ رُويِ لِيلِ پيشرفت صنايع نوين بوده است.

﴿إِنَّ لِّذِي آمَنَّا عَمِلَ الصَّالِحَاتِ إِلَّا زُجُجَ جَوْهَرًا حَسَنًا عَمَلًا﴾ ا ل ك ف

قطعاً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، ما پاداش کسی را که کار نیکو کند تباه نمی کنیم.

**\* پاسخ درستی و نادرستی صفحه - ۷۴**

۱. نادرست      ۲. درست      ۳. درست      ۴. درست      ۵. نادرست

**\* پاسخ تصاویر صفحه ۷۵-۷۶**

۱- این یک دژ تاریخی در استانی زیبا است      ۲. این یک اثر تاریخی در استانی بزرگ است.

۳. تندیس های دانشمندان در مقر سازمان ملل متحد است.      ۴. تندیس متنبی در شهر بغداد است.

بدانیم

موصوف اسمی است که برایش یک یا چند ویژگی می آوریم که صفت نامیده می شود. مضاف، اسمی است که به اسم بعد از خودش (یعنی مضاف الیه) نسبت داده می شود مثال: موصوف و صفت: مُخْتَبَرٌ صَغِيرٌ مضاف و مضاف الیه: مُخْتَبَرُ الْمَدْرَسَةِ نکته: هرگاه بخواهیم برای یک اسم، هم صفت بیاریم و هم مضاف الیه، در فارسی ابتدا صفت را می آوریم بعد مضاف الیه را ولی در عربی اول مضاف الیه بعد صفت را می آوریم. مثال: أُخْتِي الْكَبِيرَةُ: (خواهر بزرگ من) که در این مثال الكبيرة صفت و ی ضمیر که به أُخْتِي متصل شده مضاف الیه است.

البراه توشه  
توشه ای برای موفقیت

**\* پاسخ ترجمه جملا صفحه ۷**

۱. مادرم انگشتر طلا ی ر د جش تولد پوشید      ۲. پایا مسابقه تی پیرو م ر تشویف کردیم

۳. مزرعه بزرگمان را به دو نیم تقسیم کردی.      ۴. او تکالیف مدرسه اش را انجام می دهد.

۵. گردش علمی ما سودمند بود.      ۶. به خاطر کار خوبت از تو سپاسگزارم.

**\* تمرین اول صفحه - ۷۷**

۱. درست      ۲. نادرست      ۳. نادرست      ۴. درست      ۵. درست

**\*تمرین دوم صفحه - ۷۷**

۱. آرامگاه دانشمند ایرانی ابن سینا در شهر همدان است.  
 ۲. پل سفید، روی رود کارون است.  
 ۳. مسجد امام، اثری قدیمی در استان اصفهان است.  
 ۴. سربازان قوی ما، سربازانی با ایمان هستند.

**\*تمرین سوم صفحه - ۷۸**

صَدَاقَةٌ ≠ عَدَاوَةٌ	وَضَعَ = جَعَلَ	لَيْلٌ ≠ نَهَارٌ	عَاقِلٌ ≠ مَجْنُونٌ	رَاسِبٌ ≠ نَاجِحٌ
أَعْدَاءٌ ≠ أَصْدِقَاءٌ	صَعْبٌ ≠ سَهْلٌ	جُلُوسٌ ≠ قِيَامٌ	طَوِيلٌ ≠ قَصِيرٌ	نَامٌ = رَقْدٌ
قَبِيحٌ ≠ جَمِيلٌ	جَاءَ = أَتَى			

**\*تمرین چهارم صفحه - ۷۸**

۱. نَفَقَاتٌ ۲. احْتَرَقَ ۳. بَضَائِعٌ ۴. الصَّحْفِيَّةُ ۵. انْقَذَ

**\*تمرین ششم صفحه - ۷۹**

۱. طُفُولَةٌ ۲. نَفَقَاتٌ ۳. مَعْجُونٌ ۴. أَنْهَارٌ ۵. أَبْحَاثٌ ۶. ابْتَدَأَ ۷. كُرْسِيٌّ ۸. مَسَدٌ ۹. أَقْمَا ۱۰. مَطَبٌ ۱۱. مَوْحٌ  
 ۱۲. تَمَاتَيْلٌ ۱۳. آلا ۴۱. حَمَلٌ ۵۱. دَفٌ ۱. أَنْفَسَهُ

رمز: لا جهل كالجهد ألفه س هـ جهد ماندها به نه نیست

**\*کنز الحکمة صفحه - ۸۰**

۱. تو باید خدا را یاد کنی زیرا آن روشنایی دل است.  
 ۲. همنشین بد، شیطان است.  
 ۳. دنیا کشتزار آخرت است.  
 ۴. دانش گنجی بزرگ است.  
 ۵. خواب برادر مرگ است.

**الدرس الثامن (درس هشتم)**

\*ترجمه متن: جوارٌّ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ سَانِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرِ كَقِيَّتِ وَ كَوَيْبِ مِيَانِ زَائِرِ وَرَائِنِ دَقْتَاكْسِي

- السَّالَا عَلَيَّكُمْ : سلام بر - عَلَايَكُمْ لِللَّائِلِ وَ رَمَّةٌ الْمَوْبِرِ كَمُهْ مِنْ تَذَهُونَ ؟ د و دورمت و رکاخد به  
 باد. کجا می روید؟

- نَذْهَبُ إِلَى مُتَحَفِ مَكَّةِ الْمُكْرَمِ ه مَوَّة مَكَّة مَكْرَه ی رویه . - أَهْأَ وَ سَلَّأَ بِمُمْ . تَفَضُّ مَوَا . اِرُّ . بَوَا خَوْش مَدِيد . بفر . سوار شویده .

- كم ريالا تاخذ منا چند ريالامم گير -- اربعين ريال . چل ری

زائر عشره ريالات . ببخشيد - لاجره غاليه . نحن ثلاثة اشخاص كراي گراسه . م سه نفریم عفواً ثلاثو ريال . لك سي ريال . برای زائر ده ريال . هر

- هل تقبل التوقد الا يرائيه؟ يا ول ايرني مي پذيرد - عذرم . لا . بس . يا شيب ، كل اتم ايرانيان؟ له؛ اشالي زرد جوان ها، آيا شما ايراني هستيد؟

- نعم ومن اين انت؟ - انا باستاني و اشتغل هند . ف وطنه كنت اشتغل في المزرعة .

- بله و شما اهل كجا هستيد؟ - من باستاني هستم و اینجا كار مي كنم . در ميهنم در مزرعه كار مي كردم .

أ رأيت المتحف حة الآن آيت حاما موه اديه ا - ما رأيت . ما عدي فرصه . ه؛ ندهه . ف صت ندا

- لماذا ما ذهبت إلى هناك؟! چرا به آنجا نرفته اي؟ - لاني اشتغل من الصباح حتى المساء . زيان ز صبح ا كار مي كنم .

- عفواً . كم الساعة؟ ببخشيد . ساعت چند است؟

- العاشرة تماماً ده تمام ..

ایران تونش  
نوشه ای برای موفقیت

- تعال معنا . ثم ترجع معاً همرا م بي . . سپ باه برم گردید .

- هل تقبل؟ آيا مي پذيري؟ (بول مي کنی؟) - لا . ما أقدر . شكر جزيه . ه؛ مي تو مم . بسار سپاسگزر .

### حوار زليقن و راهنمای موزه الزائر و دليل المتحف : گفت و گویی میان

- ماذا في هذا المتحف؟ در اين موزه چه چيزی هست؟ - الآثار التاريخية للحرمين الشريفين . آثار تاريخ حرمين شريفين . حرم شريف

- ما ذلك العمود؟ آن ستون چيست؟ - العمود الخنسي للكعبة . ستون چوبي كعبه .

المنبر القديم للمسجد النبوي؛ آثا بدر زمزم؛ صو الحرمي مقبر البقيع؛ و ما هذه الآثار؟ و اين آثار چيست؟ - باب المنبر قديمي مسجد نبوي؛ آثار چاه زمزم؛ عكس های دو حرم و قبرستان بقيع؛ و آثار زیبای دیگری آثار جميلة أخرى در

\*درستی یا نادرستی - صفحه ۸۴

نادرست (۱) نادرست (۲) نادرست (۳) درست (۴) درست (۵)

## معادل فعل ماضی استمراری در زبان عربی (كانوا يَفْعَلُونَ = انجام می دادند)

\* ماضی استمراری - صفحه ۸۴

کاری که در گذشته چندبار انجام شده است. به عبارتی دیگر کاری که در گذشته انجام شده و مدتی ادامه (استمرار) داشته است. اگر بگوییم زهرا را دیدم که چوبی را شکست. از این جمله اینگونه برداشت می کنیم که زهرا کارشکستن چوب را در گذشته فقط یک بار انجام داده است. (ماضی ساده) اما اگر بگوییم زهرا را دیدم که چوب ها را می شکست. اینگونه برداشت می کنیم که زهرا کار شکستن چوب را در گذشته انجام داده ولی این کارش ادامه داشته و چند بار کار شکستن را انجام داده یا تا زمانی این کار را ادامه داده است.

د رزبان فارسی به اول ماضی ساده مثل رفت - خورد - شکست (می) اضافه می کنیم. مثلا می +رف م رفت

در عربی ، معادل ماضی استمراری اینگونه است: كان (فعلهای ماضی از ریشه كان) + فعل مضارع مثلا

كان يَذْهَبُ یعنی: می رفت (درحالیکه اگر یذهب را بدون كان معنی کنیم میشود: می رود

یا فعل كانوا يَكْتُبُونَ یعنی: می نوشتند و الی آبخ

الطُّلَابُ كَانُوا يَدْرُسُونَ بِدِقَّةٍ.      الْبِنْتَانِ كَانَتَا تَكْتُبَانِ وَاجِبَاتِهِمَا.

دانش آموزان با دقت درس می خواندند.      دو دختر تکالیفشان را می نوشتند.

همیشه ای بسیار موفقیت

\* فن ترجمه - صفحه ۸۴

توجه: قواعد فن ترجمه در صفحه قبل توضیح داده شد.

غذا را می خوردند. (۱) می ساختند (۲) انجام می دادند. (۳)

(۴) گروهی از آنها سخن خداوند را می شنیدند. (۵) دانشجویان دانشگاه در کتابخانه درس می خواندند.

\* پاسخ تمرین اول - صفحه ۸۶

نادرست (۱) درست (۲) نادرست (۳) درست (۴) درست (۵)

\* پاسخ تمرین دوم - صفحه ۸۶

-کارگران خانه ای می ساختند و آنها الا ایستاد اند      براد کوچک تکالیف ر م نوش پ خواب گرفت

\* پاسخ تمرین سوم - صفحه ۸۷

۱) يَشْتَغِلُ      ۲) نُقُودٌ      ۳) دَلِيلٌ      ۴) الْبَيْرُ      ۵) يَرْكَبُونَ

\* پاسخ تمرین چهارم - صفحه ۸۷

نجات می دهد	نجات می داد
کار می کنند	کار می کردند
تلاش می کنند	تلاش می کرد
حاضر می شوند	حاضر می شدند
کمک می کنند	کمک می کردند

\* پاسخ تمرین پنجم - صفحه ۸۸

۱) الكهرباء = طَاقَةٌ. تَشْتَغِلُ      ۲) المطر = قَطرات الماء .....      ۳) الرئيسی = (بدون پاسخ  
۴) العدو = هو الذي لا... يَظَلُ      ۵) الفلا من يَعَلُ ...      ۶) النا = نتيجة احتراق .....

\* پاسخ تمرین ششم - صفحه ۸۸

۱- جسر جاومیشان ۲- سوق کرمان ۳- شالالات شوشر - عن بیستن - غغاة مدیة میو دشت - مرد بایز

\* پاسخ تمرین هفتم - صفحه ۸۹

۱- مسلم ۲- کیمیاوی ۳- أدوات ۴- تعال ۵- مجالسات ۶- نقود ۷- محاولا ۸- علمو ۹- استخراج ۱- لا بس ۱۱- أعدد ۱۲ -  
منظمتا ۱۳ - أزهرها ۱۴ - ممر مشة ۱۵ - ملف ۱۶ - تلمیذتا ۱۷ - ثلاثا ۱۸ - یالی ۱۹ - د- راس ۲۰ - نَقَضَ ل ۲۱ - ز- راع

رمز: پیامبر اکرم (ص): «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ» (بهترین فرد گروه کسی است که در سفر به آن ها خدمت می کند.)

\* ترجمه کنز الحکمة - صفحه ۹۰

- ۱- محبوب ترین کارها نزد خدا، پس از واجبات دینی، داخل کردن شادی بر مسلمان است. (شاد کردن مسلمان است.)
- ۲- محبوب ترین خوراک نزد خدا، آن است که دست ها بر آن زیاد باشند. (افراد زیادی بر سر سفره غذا نشسته باشند.)
- ۳- محبوب ترین خانه هایتان نزد خدا، خانه ای است که در آن یتیمی گرامی داشته شود. (یتیمی گرامی داشته شده در آن باشد.)

۴- محبوب ترین بندگان خدا نزد خدا، سودمندترین شان نسبت به بندگان است.

۵- محبوب ترین کارها نزد خداوند، نگه داشتن (حفظ) زبان است.

\*\*\*\*\*

### الدرس التاسع (درس نهم)

\*نصوص حول الصّحّة مت های دربار ههداش

أَفْضَلُ لِأَلْوَانٍ: بَعْضُ النَّاسِ يَظُنُّونَ بِأَنَّ لَوْنَهُ لَمْ يُولَدَ لَهُ أَوْ لَمْ يَلِدْ لَهُ أَوْ لَمْ يَلِدْ لَهُ أَوْ لَمْ يَلِدْ لَهُ أَوْ لَمْ يَلِدْ لَهُ...  
رنگ ها فقط برای رنگ آمیزی یا نقاشی کردن یا تزئین هستند.

« وَلَكِنْ هَلْ سَأَلْنَا أَنْفُسَنَا يَوْمًا »: هَلْ يُمَكِّنُ مُعَالَجَةَ الْأَمْرَاضِ بِالْأَلْوَانِ؟ مَا هُوَ تَأْتِيرُ لِأَلْوَانِ الْمُخْتَلَفَةِ؟

ولی آیا روزی از خودمان پرسیده ایم: « آیا درمان بیماری ها با رنگ ها ممکن است؟ (امکان دارد؟) تأثیر رنگ های مختلف (گوناگون) چیست؟ »

يَعْتَقِدُ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ أَنَّ الْأَلْوَانَ تَتَأَيَّلُ عَلَيْهِ بَعْضُ الدَّانِسْمِنْدَا مُعْتَقِدِينَ (باید باورند) که رنگ ها به ما تأثیر دارند.

إِنَّا حَبَّ الْأَلْوَانَ إِلَى الْعَيْنِ، الْأَلْوَانَ الظَّاهِرَةَ لَمْ يَشَاهِدْ أَحَدٌ لِنَفْسِهِ إِلَّا وَالْوَسْمَانِيَّ وَالسَّارِهِيَّ وَالسَّارِهِيَّ وَالسَّارِهِيَّ...  
ثمّ المّ والأصفر مثل لون بعض أوراق الخريف. قطعاً محبوب ترین رنگ ها برای چشم، رنگ های طبیعی ای است که شب و روز در اطراف خودمان می بینیم که عبارت اند از: رنگ سبز و رنگ آبی آسمانی سپس رنگ زرد، مانند رنگ بعضی برگ های پاییز.

أَمَّا النُّورُ لِأَنَّ حَمْرًا فَتَشْعُرُ بِالْعَبْءِ عَدَمَ نَظَرٍ إِلَيْهِ لِأَنَّ جُرْحًا أَلَا عَصَا بِلَمَّا رُكِبَ سِرًّا، وَقِيَّةً نَكَّهِي كَنَمِ احْسَدَسِ خَسْتِ  
می کنیم؛ زیرا آن اعصاب را تحریک می کند.

فَقَانُونُ الْمُرُورِ يَسْتَعْدِمُهُ فِي الْأَمَاكِنِ الَّتِي تَحْتِجُ إِلَى إِذْنٍ لِتَدْخُلَ كِلَا مَوَلَاكَ مُرِيدٍ نَتِيجَةُ قَانُونِ رَاهِنَمَايَ رَانَدُكَ دَجَاهَايَ  
که نیاز به توجه دارد، مانند علامت ها راهنمای رانندگ آری که م گیرد

أَمَّا غُرْفُ النَّوْمِ لِأَنَّ أَفْضَلَ فِيهِ لَسْتِ بِخَالٍ لَنْ لِمَهْدٍ إِلَّا عَصَا كَلَمَلْنِ الْبِنَفْسِ. مَّا تَقِ هَايَ بَهْتَرَا سْتِ كَهْ دَرِ آن رَنُكَ  
های آرام بخش اعصاب مثل رنگ بنفش به کار گرفته شود.

فیتامین «A» من فوائدها فیتامین «I» زیاده وزن لاطفال ویتامین آ: از فایده های ویتامین آ افزایش وزن کودکان است

وَ هُوَ مُفِيدٌ لِلْعَيْنِ وَ كَانَ الظَّيْرَانِ فِي حَرْبٍ لِعَلَّامٍ الثَّمِيَّةِ يَتَنَلَوْنَ وَ لَنْ قَدْ ابْتَدَأَ الْغَارِ اللَّيْلِيَّةَ اَيْنَ وَ بَيْتِ مِينِ رَايَ چشَمِ سَوِ  
 است و خلبان ها در جنگ جهانی دوم پيش از آغاز حملات شبانه خوردند

وَ هَذَا الْفَيْتَامِينُ مَوْجُودٌ فِي الذُّبَابِ لَمْ تُولَدْ وَ اَكْبَاهُ لِاَلْوَالِ صَفَرِ كَالْمِشْمِشِ وَ الْجَزْرِ وَ قِشْرِ الْبُرْتُقَالِ وَ اَيْنَ وَ فَيْتَامِينِ دَرِ گِیَاهَانِ وَ مِیوه  
 های به رنگ زرد مانند زردآلو، هویج و پوست پرتقال موجود است.

فَيْتَامِينُ (سى C) يَوْجَدُ هَذَا الْفَيْتَامِينُ فِي الْحَلِيبِ الطَّازِجِ وَ لَكِنَّهُ يَوْجَدُ فِي الْحَلِيبِ الْمُنْجَفَفِ وَ يَتَابَعُ: اَيْنَ وَ فَيْتَامِينِ دَرِ بَرِيت  
 وجود دارد (یافت می شود)، ولی در شیر خشک وجود ندارد یافت نمی شود

وَ لَا طِفَالَ لَمْ يَبْتَدِئْ قَوْلَهُ وَ حَدَّهُ ذَا كَثْرَةِ لَأَوْقَاتٍ يَحْدُثُ لَهُمْ ضَعْفٌ فِي السَّاقَيْنِ وَ كُودَكَانِي كَهْ تَنْهَاهَا اِنِ رَا مِي خُورِنْدِ بِيَشْتَرِ  
 اوقات برایشان ناتوانی (ضعف) ساق هایش می آید.

وَ يُمْكِنُ تَعْوِيضُ هَذَا الذَّقِصِ ذَا لَمْ يَنْغِيَا بِنَلْوِ عَصِيرِ اللَّيْمِ فَأَوْ عَصِيرِ الْبُرْتُقَالِ وَ اَيْنَ كَمْبُودِ (نَقْصِ) دَرِ تَغْذِيَه (خُورَاكِ) بِا  
 خوردن آب لیمو یا آب پرتقال جبران می شود.

**\*درستی یا نادرستی - صفحه ۹۴\***

(۱)-درست    ۲- نادرست    ۳- نادرست    ۴- نادرست    ۵- درست

**\* تمرین ساعت خوانی - صفحه ۹۵ \***

۱- الثَّامِنَةَ وَ النِّصْفَ    ۲- الْوَاحِدَةَ وَ الرَّبْعَ    ۳- الْخَامِسَةَ تَمَامًا

۴- الْعَاشِرَةَ وَ الرَّبْعَ    ۵- السَّادِسَةَ الْاَلرَّبْعَ    ۶- الثَّلَاثَةَ رُبًّا

۷- الْعَاشِرَةَ تَمَامًا    ۸- الثَّامِنَةَ الْاَلرَّبْعَ    ۹- الرَّابِعَةَ النِّصْفَ

ایران نوین  
 توشه ای برای موفقیت

بدانیم

\*ساعت خوانی: سال گذشته ساعت خوانی را- بصورتی که ساعت کامل باشد- یاد گرفتیم مثلاً ساعت ۳:۰۰ شد الثالث تمام

امسال با ۱۵ دقیقه (ربع) ۳۰ دقیقه (نیم) و ۴۵ دقیقه (یک ربع مانده به یک ساعت بالات) را آموزش دادیم

\*\* اگر ساعت ۳:۱۵ دقیقه باشد، می گوئیم: الثالثة و الربع یعنی با حرف (و) الربع را اضافه می کنیم به الثالثة

\*\* اگر ساعت ۳:۳۰ دقیقه باشد، می گوئیم: الثالثة و النصف یعنی با حرف (و) النصف را اضافه می کنیم به الثالثة

\*\*\*ولی اگر ساعت ۳:۴۵ دقیقه باشد، می گوئیم: الرابعة إلا ربع یعنی ساعت بالا ربه الرابع است ای آورم و بد ز به جای (و) حرف (إلا) آورید بع کلمه ربع ر م گوئیم. اصطلاح (چهره بز ک ر) (به درواغ همن ک ربع چهار است).

\*\*\* ترجمه کنید-صفحه ۹۶ یازده تمام ده و ربع

دوازده تمام یک ونیم

\*\*\* پاسخ تمرین اول-صفحه ۹۶

۱-اشاراتُ المرور ۲-غارَاتُ الليلية ۳-طازج ۴-طیار ۵-عَصِيرُ الفاكهة

\*\*\* پاسخ تمرین دوم-صفحه ۹۷ (از راست به چپ)

۱-أخضر ۲-أبيض ۳-أزرق ۴-أحمر ۵-أصفر ۶-أسود

\*\*\* پاسخ تمرین سوم-صفحه ۹۸

فی الساعَةِ الثامِنَةِ لَيْلاً

ف الساعَةِ التاسِعِ صَبَاحاً

فی الساعَةِ الثانیةِ عَشْرَةَ

فی الساعَةِ السادِسَةِ مَسَاءً

\*\*\* پاسخ تمرین چهارم-صفحه ۹۸

۱-مُهَدِّئَةٌ ۲-اشْرَبُ ۳-تَعَبٌ ۴-الجزر ۵-المشمش

\*\*\* پاسخ تمرین پنجم-صفحه ۹۹

۱-النهار (ما بین .....)

۳-التلوین (إعطاء)

(

۲-المتحف. (مکان)

۴-ندارد (پاسخ ندارد)

۵-الطازج (صفت .....)

۶-الرسم (قدرت)

۷-الأزر (تلوین)

\*\*\* پاسخ تمرین ششم-صفحه ۹۹ (از راست به چپ)

متضاد متضاد متضاد متضاد

مترادف مترادف مترادف مترادف

مترادف متضاد متضاد مترادف

متضاد متضاد مترادف متضاد

۱- دادگری نیک است اما برای فرماندهان، نیکوتر و بخشنده‌گی نیکوست ولی برای ثروتمندان نیکوتر، پارسایی نیکوتر ولی برای دانشمندان نیکوتر، صبر نیکوست ولی برای فقرا نیکوتر، توبه نیک است ولی برای جوانان نیکوتر، شرم نیکوست ولی برای زنان نیکوتر.

۲- هر کس سخنش زیاده شود خطایش زیاد می‌شود؛ و هر کس خطایش زیاد شود شرمش اندک می‌شود؛ و هر کس شرمش اندک شود پارسایی اش اندک می‌شود؛ و هر کس پارسایی اش کم شود قلبش می‌میرد؛ و هر کس قلبش بمیرد وارد جهنم می‌شود.

\*\*\*\*\*

الدرس العاشر (درس دهم)

\*ترجمه متن الامانة داری

أَرَادَ مُسَافِرًا تَسْلِيمَ نَقُودِهِ إِلَى شَخْصٍ أَمِينٍ مَسَافِرِي خَوَاسْتِ پُولِش (پول هایش) را به شخص امانتداری بدهد.

فَذَهَبَ إِلَى قَاضِي بَلَدِهِ وَقَالَ لَهُ: إِنِّي سَوْفَ أَسَافِرُ وَأُرِيدُ تَسْلِيمَ نَقُودِي عِنْدَكَ أَمَانَةً وَسَوْفَ أَسْتَلِمُهَا مِنْكَ بَعْدَ رُجُوعِي.

پس نزد قاضی شهرش رفت و به او گفت: «من مسافرت خواهم کرد و می‌خواهم پولم را نزد تو به امانت بگذارم و پس از برگشتنم از تو پس خواهم گرفت.

فَقَالَ الْقَاضِي: لِأَسْرِ جَعَلْتُكَ فِدَى كَلْبِي نَبِي... فَوَضَعَ الرَّجُلُ نَقُودَهُ فِي الصَّنُوقِ وَقِاضِي: فَت: اشالی ند رد، وَا  
در آن صندوق بگذار. و مرد پول هایش را در صندوق گذاشت.

وَلَمَّا رَجَعَ مِنَ الْمَدِينَةِ ذَهَبَ عِدْلَةً مِثْلَ مَا وَضَعَ فِيهَا نَقُودَهُ وَقَالَ الْقَاضِي: إِنَّكَ تَعْرِفُ. وَوَقِيَ بِهِ زَسْرًا بَرِّگَش: ز  
قاضی رفت و امانت را از او خواست قاضی به او گفت: من تو را نمی‌شناسم.

حَزَنًا لِجَلْبِ ذَهَبٍ إِحْرَامِهِمْ مِثْلَهُ شَرَحَ لَهُ لَقِيضَةً مَدْمُغْمَنًا دُونَ مَا حَاشَرَ رَفْتِ وَقَضِيَّهَ رَا بَرِّاشِ شَرَحَ دَاد

فَقَالَ الْحَاكِمُ سَيَأْتِي الْقَاضِي إِلَى غَدًا فَلَا تَخْلُ عَيْنَيْكَ فَلَمْ يَجِبْ سِوَالَهُمْ تَكْمِنَهُ. حَاكَ كَف: فرد قاضی نزد من خواهد  
آمد؛ در مجلس پیش ما بیا (بر ما وارد شو) و امانت را از او بخواه.

وَفِي الْيَوْمِ التَّالِيِ عِنْدَمَا جَاءَ الْقَاضِي إِلَى الْحَاكِمِ، قَالَ لَهُ الْحَاكِمُ: « وَ در روز بعد وقتی که قاضی نزد حاکم آمد، حاکم به او گفت: »:

إِنِّي سَوْفَ أُسَافِرُ إِلَى الْحَجِّ فَ هَذَا الشَّهْرُ وَأُرِيدُ سَلَامًا مَوْلَايَ بِلَا إِلَهٍ إِلَّا أَنَا يَا لَيْلَى لِمَا يَوْمٍ نَدَامُ لَأَمَانَهُ.

من در این ماه به حج سفر خواهم کرد و می خواهم امور ( کارهای ) کشور ( سرزمین ) را به تو تحویل دهم ( بسپارم ) چون من از تو جز امانتداری ندیده ام .

وَفِي هَذَا الْوَقْتِ دَخَلَ صَاحِبُ الْأَمَانَةِ وَسَلَّمْ عَلَيْهِمْ وَقَالَ دَائِرَةُ وَقْتُ صَاحِبِ الْأَمَانَةِ وَارْتَدَّ بِأَنَّهُ ( آ د ) سلام کرد گفت: »:

أَيُّهُ الْقَاضِي إِنَّ سَيَّ أَمَانَةً عِنْدَهُ وَوَضَعُ نُقُودِي عِنْدَهُ . قَالَتْ: « هَذَا أَمَانَةُ الصُّنْدُ . اسْتَلَمْتُ نُقُودَكَ أَيَّ قَائِلِي، أَمَا نَزِدُ تُو دَارْم . پُولْم رَا نَزِدُ تُو كُذَّاشْتِه اَم « قَاضِي كُفْت: « اَيْنَ كَلِيدِ صَنْدُوقِ اسْت . پُولْت رَا تَحْوِيلِ بَكِير .

بَعْدَ يَوْمَيْنِ ذَهَبَ الْقَاضِي عِنْدَ الْحَاكِمِ وَتَكَلَّمَ مَعَهُ حَوْلَ ذَلِكَ الْمَوْضُوعِ . فَأَجَابَ الْحَاكِمُ: « بِأَنَّ دَائِرَةَ وَقْتُ قَاضِي نَزِدُ حَاكِرْفَ بِأَوِ دَرِبَارِه اَنَ مَوْضُوعِ صَحْبَتِ كُرد . حَاكِمِ جَوَابِ دَاد:

أَمْرٍ بَعَزَلِهِ . أَيُّهُ الْقَاضِي مَ اسْتَرْجَعْنَا أَمَانَةَ ذَلِكَ الرَّجُلِ إِيَّا بَعْدَ مَا أُعْطِينَا كُلَّ الْبِيَادِ؛ فَبِأَيِّ شَيْءٍ نَسْتَجْعُ الْبِلَادَ ! ك؟

مگر بعد از اینکه همه کشور را به تو دادیم؛ باچه چیزی کشور را از تو پس ای قاضی، امانت آن مرد را از تو پس نگرفتیم بگیریم؟ « ! سپس دستور به برکناری او داد.

اَبْرَارِ تَوْشَه  
تَوْشَه اَيِّ بَرَّايِ مَوْفَقِيَّتِ

(رسول الله صلى الله عليه وآ . ) ه زِيَادِ نَمَازْشُو وَرُودِ شُو وَزِيَادِ جِ نَگَه نَكَنُ . . . . . ، وِي ه رَاسْتِگُو وَو اَمَانْتَدَارِيش

نَگَه كُنِيد .

\*درستی یا نادرستی - صفحه ۱۰۴

\* پاسخ تمرین اول - صفحه ۱۰۴

۶	عاقبت، جوینده یابنده بود.	۱	عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.
۷	نو که آمد به بازار کهنه شود دل آزار.	۲	الْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ.
۴	چاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی.	۳	أَسْتُرْ ذَهَبَكَ وَ ذَهَابَكَ وَ مَذْهَبَكَ.
۲	عالم بی عمل به چه ماند؟ به زنبور بی عسل.	۴	مَنْ حَفَرَ بئْرًا لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا.
۵	تا توانی می گریز از یار بد یار بد بدتر بود از مار بد	۵	الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوِّءِ.
۱	دشمن دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود.	۶	مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ، وَجَدَ.
۳	در بیان این سه، کم جنبان لب از ذهاب و از ذهب و از مذهب	۷	لِكُلِّ جَدِيدٍ لَدَّةٌ.

\* پاسخ تمرین دوم - صفحه ۱۰۵

۱- یک گنجشک در دست بهتر از ده تا روی درخت است.

۲- هر چه در این دنیا بکاری در آخرت (همان را) برداشت می کنی.

۳- هر کس دوستی بدون عیب بخواند، بدون دوست می ماند.

۴- این اسب و این میدان.

۵- یک روز به سود ما و یک روز به ضرر ماست.

\* پاسخ تمرین سوم - صفحه ۱۰۵

توشیه ای برای موفقیت

۱- المَطَرُ ۲- العَرُوسُ ۳- الرِّيحُ ۴- البَطَّارِيَّةُ ۵- الحَرِيْقُ

\* پاسخ تمرین چهارم - صفحه ۱۰۶

۱- تَمَوْتُ ۲- شَقَاوَةٌ ۳- اجْعَلْ ۴- فَرِيضَةٌ ۵- اَنْفَهُمْ ۶- لَأَمْ مَّهَا

\* پاسخ تمرین پنجم - صفحه ۱۰۶

\* عددهای اصلی: ۳- ثلاثٌ ۴- اَوْعَ ۵- خَمَسٌ ۶- سِتٌّ ۷- اَشْرَ ۸- اِثْنِ عَشَرَ

\* عددهای ترتیبی: ۲- ثانی ۴- رابع ۵- خامس ۷- سابع ۹- تاسع ۱۲- ثانی عشر

\* پاسخ تمرین ششم - صفحه ۱۰۷

۱- البكاء ۲- الرز مع السمک ۳- الجامعة ۴- الطلا ۵- الخری

**\* پاسخ تمرین هفتم - صفحه ۱۰۷**

۱- مفرد مؤنث (فضة) ۲- مثنای مذکر (شرطیان) ۳- مثنای مؤنث (نافذتین) ۴- حدادون ۵- سیدات ۶- أطعمة

**\* پاسخ تمرین هشتم - صفحه ۱۰۸**

۱- ای پسر، در زندگی ات نا امید نشو، تو می توانی. بخواه و تلا کن (لَا تَقْدُرُ مَضَارِعُ أُطْلُبُ: امر

۲- ای دخترم، به زندگی لبخند بزن. ناراحت نشو. تو برنده هستی. به زودی موفق خواهی شد. (لَا تَبْجَیْ نَهْ سَتَجَیْ بِئَ مستقبل

۳- دوستانان را یاری کنید و آن ها را در مشکلا ره ن کنید پ آ ه ه شم ر یار خواهند کرد اُنصُرُوا: امر-  
سَوَفَ یُسَاعِدُونَ: مستقبل

**\* پاسخ تمرین نهم - صفحه ۱۰۸**

حامد پسری با هوش است. او در سن پانزده سالگی است. او تکالیف مدرسه اش را عصر می نویسد. صبح ساعت یک ربع به شش برمی خیزد. و بعد از نماز، صبحانه اش را در ساعت شش و نیم می خورد. در روزی از روزها پدرش برای او رایانه ای خرید. و به او اجازه داد که در اوقات فراغت وارد اینترنت شود. حامد به خاطر این هدیه خوشحال شد. بعد از مدتی پدر و مادرش برای یک ماموریت اداری به مدت دو روز به سفر رفتند. حامد به پدر و مادرش گفت: در اینترنت یک پژوهش علمی را جستجو خواهم کرد. حامد پشت رایانه نشست و ساعت های زیادی بازی کرد. و در روز بعد در ساعت یک ربع به هفت برخاست. صبحانه نخورد و صورتش را نشست. و از خانه خارج شد و سوار اتوبوس مدرسه شد. حامد در کلا احسا خواب می کرد. ناگهان صدای معلم را شنید: می خواهم تکالیفتان را ببینم. حامد کیفیتش را باز کرد و فهمید که دفترش نیست بلکه دفتر خواهرش است. حامد پشیمان شد و با خودش گفت ای کاش منظر بودم

**\* درستی یا نادرستی**

۱- درست ۲- نادرست ۳- نادرست ۴- نادرست ۵- نادرست